

## واکاوی ترجمه حمیدرضا مهاجرانی از رمان «برید اللیل» براساس نظریه «آنتوان برمن»

محمدنبی احمدی / دانشیار دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران<sup>۱</sup>

فرزانه چله نیا / دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مترجمی زبان عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

### چکیده

ترجمه متون ادبی یکی از سخت‌ترین انواع ترجمه است که با چالش‌هایی مواجه می‌باشد که باعث پیچیدگی و دشواری هرچه تمام‌تر آن می‌شود. امروزه نظریه پردازان با ارائه انواع تکنیک‌ها و روش‌های برتر ترجمه کمک شایانی به مترجمان کرده‌اند و تا حدودی مسیر پیش‌روی آنها را هموار نموده‌اند. یکی از نظریه پردازان مطرح در این زمینه «آنتوان برمن» فرانسوی است که در نظریه خود با عنوان گرایش‌های ریخت‌شکنانه، سیزده عامل انحراف در ترجمه را بر می‌شمارد. پژوهش حاضر نیز براساس تکنیک‌های ترجمه برمن به واکاوی رمان «برید اللیل» تألیف هدی برکات و ترجمه سید حمیدرضا مهاجرانی با عنوان «پست شبانه» می‌پردازد. در این ترجمه به چند گرایش از نظریه برمن پرداخته شده که بیشترین تکرار را در ترجمه مهاجرانی داشته است، این گرایش‌ها عبارتند از: منطقی‌سازی، واضح‌سازی، اطناب یا تطویل، آراسته‌سازی، غنازدایی کیفی و غنازدایی کمی؛ البته لازم به ذکر است نمونه‌هایی چند از دیگر گرایش‌ها ریخت‌شکنانه در این ترجمه دیده می‌شود که به علت اندک بودن از ذکر آنها خودداری شده است. در این مقاله با مطالعه دقیق، موارد انحراف در ترجمه برید اللیل براساس گرایش‌ها مذکور مطرح شده و در برخی موارد ترجمه پیشنهادی هم ارائه شده است. به طور کلی می‌توان گفت بیشترین علت انحراف در ترجمه مهاجرانی مربوط به توضیح و تفسیر مترجم است که قصد دارد خواننده به وضوح مطلب را درک کند؛ بنابراین پیداست که این ترجمه بیشتر به متن مقصد گرایش دارد.

<sup>۱</sup> ایمیل: [mn.ahmadi217@yahoo.com](mailto:mn.ahmadi217@yahoo.com)

واژگان کلیدی: واکاوی ترجمه، برید اللیل، حمیدرضا مهاجرانی، آنتوان برمن

## مقدمه

ترجمه نمونه‌ای خاص از تلاقی زبانی و یکی از فعالیت‌های بشری است که قدمتی طولانی دارد و این امکان را می‌دهد تا تبادلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری و ... بین ملت‌ها و زبان‌های مختلف انجام شود و همین امر، ضرورت ترجمه را به روشنی بیان می‌کند. ناگفته پیداست که ترجمه غیرپابند به اصل امانت‌داری، منجر به ایجاد سوء برداشت و ارائه معنایی نادرست به خواننده می‌شود که خود می‌تواند مشکلات بزرگی در پی داشته باشد. در زمان حاضر نظریات فراوانی در ارتباط با تکنیک‌های برتر ترجمه، توسط دانشمندان و نظریه‌پردازان بزرگ در سراسر دنیا ارائه شده است. شایسته است مترجمان، آگاهانه و براساس این تکنیک‌ها به ترجمه بپردازند.

«از دیرباز تا کنون دو نوع محور در ترجمه شکل گرفته که عبارتند از: ترجمه معنایی و ترجمه ارتباطی» (نیومارک، ۱۳۷۰: ۷۰) «پیشینه این دو قطبی شدن را می‌توان به سیسرون، حقوق‌دان و نویسنده رومی، و سنت جروم که در قرن چهارم میلادی، تورات هفتادگانی یونانی را به زبان لاتینی ترجمه کرد نسبت داد.» (هتیم و ماندی، ۱۳۸۸: ۳۰) یکی از برترین نظریات در حیطه ترجمه، متعلق به «آنتوان برمن» مورخ، فیلسوف و نظریه‌پرداز فرانسوی است که به گرایش‌های ریخت‌شکنانه در ترجمه معروف است و دارای سیزده اصل می‌باشد. «برمن با این عقیده که معنای زیبا زاییده فرم زیباست و مترجم تنها با وفادار بودن به فرم و متن مبدأ می‌تواند معنای اصلی را انتقال دهد.» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۸) به طرفداری از ترجمه مبدأگرا پرداخت و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه را پایه‌گذاری کرد.

از آنجا که برمن یکی از نظریه‌پردازان بنام در عرصه ترجمه است؛ پس پژوهش حاضر برآن است تا از بین نظریات مختلف صاحب‌نظران با توجه به اصول اساسی برمن به تحلیل

بخش‌هایی از رمان بریداللیل ترجمه حمیدرضا مهاجرانی پردازد و انحرافات‌ی که در آن وجود دارد را براساس اصول مطرح شده مورد تحلیل و نقد قرار دهد؛ البته لازم به ذکر است این مقاله تنها به بررسی اصولی می‌پردازد که بیشترین کاربرد و تکرار را در ترجمه بریداللیل داشته‌اند. مهم‌ترین هدف این پژوهش این است که ترجمه مهاجرانی از رمان بریداللیل براساس معیارهای انتوان برمن بوده و میزان وفاداری مترجم به زبان مبدأ چقدر است. این پژوهش با روش تحلیلی توصیفی به بررسی معیارهای فوق می‌پردازد.

#### پیشینه پژوهش:

تاکنون در زمینه نظریه آنتوان برمن آثار فراوانی به رشته تحریر درآمده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- محمد فرهادی، سید محمود المیرزایی الحسینی و علی نظری (۱۳۹۶) در «مقاله نقد و بررسی اطاب و توضیح در ترجمه صحیفه سجّادیه براساس نظریه برمن (مطالعه موردی ترجمه انصاریان)» به بررسی و نقد اطاب و توضیحاتی پرداخته‌اند که براساس گرایش‌های ریخت-شکنانه، در ترجمه انصاریان نابجا بوده و جز اطالّه کلام فایده‌ای از آن حاصل نشده و در مواردی هم ترجمه پیشنهادی ارائه شده است.

- شهریار نیازی و انسیه سادات هاشمی (۱۳۹۸) در «مقاله بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه (شفاف‌سازی) الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن: مورد پژوهی ترجمه رضایی اصفهانی» به بررسی سوره‌های انفال، توبه، احزاب و تحریم در ترجمه رضایی اصفهانی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در مواردی به دلیل فقدان تأنیث و تشبیه در زبان فارسی و نبود معادل در فارسی برای برخی اصطلاحات، شفاف‌سازی در ترجمه قرآن کریم امری اجتناب‌ناپذیر است.

- آرزو پوریزدان‌پناه و وصال میمندی (۱۳۹۹) در مقاله «نقد ترجمه عربی مرزبان‌نامه براساس نظریه برمن، با روش تحلیلی - توصیفی» به بررسی نظریه برمن پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در میان مؤلفه‌های مورد بررسی، دو مورد غنازدایی کمی و کیفی، بیشترین بسامد و مؤلفه تخریب ضرب آهنگ کلام، کمترین بسامد را داشته‌اند.

- علی بشیری (۱۳۹۹) در مقاله «پیاده‌سازی نظریه گرایش‌های ریخت‌شکناهی در ترجمه رمان از فارسی به عربی (بررسی موردی دو ترجمه از بوف کور)» به بررسی دو ترجمه از رمان بوف کور صادق هدایت پرداخته که توسط الدسوقی و عدس ترجمه شده‌اند. بررسی این ترجمه‌ها بیانگر آن است که تمامی این سیزده مورد در ترجمه این رمان، جز آراسته‌سازی قابل تطبیق است.

با وجود اینکه در ارتباط با نظریه برمن مقالات فراوانی نوشته شده است، تاکنون پژوهشی روی رمان برید اللیل هدی برکات چه از زاویه نظریه برمن چه دیگر صاحب‌نظران، پژوهشی صورت نگرفته است.

پژوهش حاضر برآن است تا با روش تحلیلی - توصیفی، به واکاوی ترجمه رمان برید اللیل از سیدحمیدرضا مهاجرانی براساس نظریه آنتوان برمن بپردازد و انحرافات پربسامد این ترجمه از اصول برمن را مورد تحلیل و نقد قرار دهد. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

- از میان مؤلفه‌های سیزده گانه برمن، کدام یک نقش بیشتری در تحریف متن مبدأ رمان برید اللیل داشته‌اند؟

- مترجم چه اندازه به متن اصلی وفادار بوده است؟

هدی برکات و رمان برید اللیل:

هدی برکات در سال ۱۹۵۲م. در بیروت به دنیا آمد، بعدها به تدریس و روزنامه‌نگاری پرداخت، او هم‌اکنون در پاریس زندگی می‌کند. شش رمان، دو نمایش‌نامه، یک مجموعه داستان و یک خودنگاره تاکنون از او منتشر شده‌است. کارهایش به زبان‌های مختلف ترجمه شده و در سال ۲۰۱۵م. به لیست نامزدهای جایزه جهانی من بوکر ۱ که در آن زمان، هر دو سال یکبار به مجموعه آثار یک نویسنده داده می‌شد راه یافت. کتاب بریداللیل او در سال ۲۰۱۹م. طی مراسمی که در سالن تئاتر ملی عروسکی فلسطین برپا شد برنده جایزه من بوکر عربی ۲ شد.

بریداللیل با دیدی عمیق در ارتباط با اوضاع مهاجران نوشته شده که روایتگر داستانی خواندنی از زندگی و برخوردهای غیرمنتظره‌ای است و طی آن از نامه‌هایی حکایت می‌کند که نویسندگان غریبه و تنهای آنها، پای نامه‌های دیگر را به میان می‌کشند و گویی در هم تنیده می‌شوند؛ همان تبعیدشده‌ها، مطرودها، بی‌خانمان‌ها و یتیمان وطنی که زمانه کمرشان را شکسته است. اشخاص گوناگون از پستیچی گرفته تا نانوا را در هیاهوی زندگی، تصویر می‌کند؛ این اشخاص نامه‌هایی می‌نویسند که در آن‌ها از سختی‌های غربت سخن می‌گویند و این در حالی است که می‌دانند بیشتر نامه‌هایشان هرگز به مقصد نمی‌رسد. کتاب بریداللیل به زبان‌های مختلف ترجمه شده و برای اولین بار در سال ۱۳۹۸، آقای سید حمیدرضا مهاجرانی آن را به فارسی ترجمه کرد و انتشارات ثالث، آن را چاپ نمود.

### نگاهی به نظریه آنتوان برمن:

آنتوان برمن (۱۹۹۱-۱۹۴۱) مترجم، فیلسوف، تاریخ‌نگار و نظریه‌پرداز علم ترجمه است. او تحت تأثیر فلسفه رمانتیک آلمانی‌ها و کسانی چون والتر بنیامین و هانری مشوینک، گونه

---

۱ جایزه ادبی من بوکر یکی از مهم‌ترین جوایز ادبی دنیاست که هر سال به بهترین رمان جدید انگلیسی زبان اعطاء می‌شود. نام برنده این جایزه به طور وسیعی در مطبوعات آورده می‌شود و تأثیر فراوانی روی فروش کتاب می‌گذارد.

جایزه عربی بوکر در سال ۲۰۰۷ به همت هیئت گردشگری و فرهنگ ابوظبی و با پشتیبانی جایزه بوکر بریتانیا پایه‌گذاری شد.<sup>۲</sup>

دیگری از نقد را در ترجمه پیش می‌کشد. محور دیدگاه ترجمه‌شناسی برمن، احترام به متن مبدأ است و از این نظر با ارائه نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» دیدگاه‌های قوم‌گرایانه و معطوف به زبان مقصد را در ترجمه مورد بررسی قرار می‌دهد. این رویکرد از سیزده مؤلفه تشکیل شده است که عبارتند از: منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، تطویل یا اطناب، تفاخر‌گرایی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی، همگون‌سازی، تخریب ضرب‌آهنگ‌های متن، تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن، تخریب سیستم‌بندی‌های متن، تخریب یا غیر بومی کردن شبکه‌های زبانی بومی، تخریب عبارات و اصطلاحات خاص زبان، امحاء و برهم نهادگی زبان‌ها.

«برمن معتقد است که عده‌ای تمایل دارند ریخت و شکل زبان را تغییر دهند؛ هدف از این کار به زعم او نابودی متن اصلی و خدمت به معنا و صورت زیبا در زبان مقصد و خواننده است؛ یعنی در ترجمه خود، آن‌قدر در بازنویسی و آفرینش مجدد معنا و فرم غرق می‌شوند که متن اصلی را به کلی به فراموشی می‌سپارند. او این تغییر شکل‌ها را ناشی از عوامل فرم-مدارانه می‌داند که بر جهت‌گیری مترجم تأثیر می‌گذارد.» (صمیمی، ۱۳۹۱: ۴۴) آنتوان برمن بر این عقیده غیروفادارانه تاخت. «البته باید گفت: با توجه به تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی و گفتمانی، پایبند بودن به عقیده برمن در تمامی موارد بسیار دشوار می‌نماید.» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۶۳) از این‌رو نظریه برمن در پاره‌ای از مؤلفه‌ها، کاربردی و عملی نیست و نمی‌توان بر آن جامعه عمل پوشاند.

## نقد و بررسی مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه برمن در ترجمه مهاجرانی

### منطقی‌سازی

«منطقی‌سازی به ایجاد تغییر در ساختار نحوی و شیوه علامت‌گذاری متن مبدأ مربوط می‌شود. در این مؤلفه، مترجم با توجه به نظم گفتمان مقصد، جملات و زنجیره جملات را بازتولید و مرتب می‌کند. به عنوان مثال، مترجم برای جملاتی که در متن مبدأ بدون فعل

هستند، فعل می آورد. جملات بلند را کوتاه یا جملات معترضه را جابه‌جا و یا اضافه و کم می‌کند. برمن فرایند منطقی‌سازی را تحریفی در متن اصلی قلمداد و آن را رد می‌نماید.» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۳) در ترجمهٔ رمان برید اللیل نمونه‌هایی از این نوع ریخت شکنی دیده می‌شود که به مواردی از آن اشاره می‌گردد.

براساس نظریهٔ برمن دربارهٔ منطقی‌سازی، هر گونه تغییر در ساختار نحوی کلام که باعث تحوّل متن مبدأ شود نباید از سوی مترجم صورت پذیرد به عنوان مثال در جملهٔ زیر نمونه‌ای از این ریخت شکنی قابل تأمل است: «فی حیاتی کلّها لم أکتب رسالۀ واحدة. هناک رسالۀ وهمیة بقیت أقلبها سنوات طویلة فی رأسی ولم أکتبها» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۹) ولی من در سراسر زندگی غیر از همان نامهٔ خیالی که هرگز ننوشتمش و همواره در ذهنم جملاتش را بالا و پایین و پس و پیش می‌کردم یک نامه هم ننوشته‌ام. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۹) در این متن مترجم برای شیواتر شدن و منطقی‌تر شدن جمله به جابه‌جایی ارکان جمله در ترجمه پرداخته که براساس نظریهٔ برمن نباید این کار صورت می‌گرفت. «بی شکلی هدف‌مند نمایانگر آن است که نثر در ژرفا، لایه‌ها و چندگانگی زبان فرو می‌رود و منطقی‌سازی تمام این ویژگی‌ها را ویران می‌کند.» (برمن، ۲۰۰۴: ۲۸۸) اگر بخواهیم این جمله را بدون تغییر در ساختار نحوی آن ترجمه کنیم باید گفته شود: در سراسر زندگی ام یک نامه هم ننوشته‌ام. جز یک نامهٔ خیالی که سال‌های طولانی آن را در سرم پس و پیش می‌کردم و هرگز ننوشتمش.

نمونهٔ دیگری از منطقی‌سازی را در این عبارت می‌بینیم: «قالت: إنَّ عمی ینتظرنی فی العاصمه وإنَّ علیَّ أن أتعلّم لِأنتی أذکی اخوتی» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۹) گفت: عمو جان در پایتخت، منتظرت است باید بروی درست را بخوانی؛ چون از همهٔ برادرهایت باهوش‌تر و بااستعدادتری. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۱۰) همان گونه که می‌بینیم در متن عربی، ضمائر متکلم وحده هستند؛ اما در ترجمه به صورت للمخاطب ذکر شده‌اند. این جمله در اصل باید این

گونه که در ادامه آورده می‌شود ترجمه گردد. گفت: عمومیم در پایتخت منتظریم است و من باید بروم درس را بخوانم چون از همه برادرهایم باهوش‌ترم. می‌توان گفت: مترجم برای واضح‌تر و منطقی‌تر شدن جمله و برقراری ارتباط بیشتر با خواننده، آن را از نقل قول غیرمستقیم به مستقیم ترجمه کرده است.

## واضح‌سازی

آنتوان برمن، واضح‌سازی را یکی از عوامل تحریف متن اصلی می‌داند. «واضح‌سازی بیان-کننده مسائلی است که در متن مبدأ واضح نبوده یا به تعبیر دیگر، پنهان و سر بسته بیان شده و نویسنده قصد آشکار کردن آن‌ها را نداشته است.» (کریمیان و اصلانی، ۱۳۹۰: ۱۲۴) در حقیقت واضح‌سازی، روشنگری در سطح معنایی است. (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۹) در ادامه نمونه‌هایی از این مقوله را در ترجمه مهاجرانی از نظر می‌گذرانیم.

در برخی موارد به کار بردن یکی از انواع گرایش‌ها، باعث بروز گرایش دیگری از نظریه برمن می‌شود؛ مانند جمله زیر که علاوه بر داشتن واضح‌سازی، اطناب هم در آن نمایان است: «ولا أسكتُ لآني لا أريدُ أن أتركُ لك نافذة مفتوحة على الحميمية فالحميمية ورطه» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۱۱) ساکت نمی‌شوم، زیرا قصد ندارم با این سکوت به روی تو پنجره‌ای به سمت عشق و عاشقی باز کنم، دختر! صمیمیت دردسرهای بسیاری در پی دارد انگار که ورطه‌ای باشد. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۱۳) در این جمله جهت رفع ابهام و واضح‌سازی معنای ورطه از عبارت (دردسرهای بسیاری در پی دارد) استفاده شده است. در لغت‌نامه دهخدا معانی متعددی برای واژه ورطه بیان شده است از جمله: هلاکت و هر امر دشوار که راه‌هایی از آن نباشد، چاه، هر چیز ترسناک و هولناک، بیابان بی‌راه و نشان و ... (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه ورطه) این نوع واضح‌سازی باعث اطناب در کلام شده است و مترجم می‌توانسته به جای آوردن دوباره ورطه در ترجمه، یکی از معانی فارسی آن را ذکر کند.



نمونه دیگری از واضح‌سازی را در این عبارت می‌بینیم: «إِنَّهُ يُشَبِّهُ قَلِيلاً ذَلِكَ الرَّجُلَ ثَقِيلَ الظَّلِّ الَّذِي التَّقِينَاهُ يَوْمًا فِي سُوْبَرْمَارِكْتِ وَسَطِ الْبَلَدِ» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۲۱) این مرد که در مقابلم توی قطار نشسته درست مثل همان مرد چاق و گنده‌ای است که آن روز در یکی از سوپرمارکت‌های مرکز شهر دیدیمش. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۲۸) در متن عربی، عبارت (در مقابلم توی قطار نشسته) ذکر نشده و مترجم برای واضح کردن معنا و همراه کردن هر چه بیشتر مخاطب آن عبارت را در ترجمه بیان کرده است؛ البته باید گفت ذکر عبارت (در مقابلم توی قطار نشسته) در ترجمه کاملاً نادرست است چرا که اگر به متن اصلی کتاب و جملات قبل و بعد این عبارت نگاهی بیاندازیم متوجه می‌شویم این جریان در قطار صورت نگرفته و منظور از -این مرد- مردی است که در بالکن یک خانه ایستاده و نویسنده به او اشاره می‌کند. شاهد مثال آن هم در این عبارت آشکار است: «لَكِنْ كَيْفَ يَقْوَى هَذَا الرَّجُلُ عَلَى الْوُقُوفِ فِي الْبَرْدِ هَذَا الْوَقْتِ كُلَّهُ؟ أَمْ أَنَّهُ يَدْخُلُ وَيَغْلُقُ بَابَ شَرْفَتِهِ حِينَ أُتَوَارَى عَنْ نَظَرِهِ؟ كَأَنَّهُ يَظْهَرُ بِسِحْرِ سَاحِرٍ حِينَ أُضِيءَ النُّورُ أَوْ أُفْتِحَ السُّتَارَةُ. أَنَّهُ يُشَبِّهُ .....» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۲۱)

### اطناب و تطویل

اطناب، مفصل کردن کلام و اضافاتی است که چیزی به متن اصلی نمی‌افزاید و تنها حجم خام متن را افزایش می‌دهد، بی آنکه به بار معنایی و گفتاری متن بیافزاید. (معایش، ۲۰۰۸-۹: ۶۴) در بلاغت قدیم به این نوع گرایش، حشو زائد می‌گفتند و اطناب ادای مقصود با عباراتی بیش از عبارات مألوف است. «گفتنی است که اطناب موجود در متن اصلی، بسته به نظر نویسنده متن اصلی است و از حیطة کار ما خارج است؛ اما هنگامی که بحث از ترجمه و اطناب می‌شود باید به این موضوع دقت کرد که آیا مترجم می‌تواند بدون توجه به متن اصلی، ترجمه را دچار اطناب کند یا خیر؟» (فرهادی، ۱۳۹۶: ۶) در ترجمه مهاجرانی موارد زیادی از این ریخت‌شکنی دیده می‌شود که به مواردی از آن اشاره می‌گردد.

یکی از مواردی که در ترجمه مهاجرانی وجود دارد، بحث اطناب در ترجمه واژگان است که بیشتر در حیطه ترادف جای می‌گیرد. «ترادف در اصطلاح اهل لغت صفت دو یا چند واژه است که در عین تفاوت حروف اصلی و ساخت صرفی، معنایی یکسان داشته باشند.» (رئسیان و کردلویی، ۱۳۹۳: ۸۹) علاوه بر اطناب ناشی از ترادف نمونه‌های دیگری از اطناب در ترجمه مهاجرانی دیده می‌شود؛ اما بیشترین مورد اطناب مربوط به ترادف واژگانی است به طور مثال: «ملاّت خیاشیمی رائحه الروث الموحل» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۱۴) دماغم پر می‌شود از بوی گند و نفرت انگیز سرگین‌های به گل تپیده (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۱۷) در این شاهد مثال، روث الموحل یعنی سرگین به گل تپیده، نویسنده برای اینکه بوی ناپسند آن را نشان دهد از دو واژه گند و نفرت انگیز استفاده کرده که هیچ کدام در متن نیز نیامده است. و این باعث اطناب در ترجمه شده است و می‌شد برای نشان دادن بوی بد سرگین یکی از دو واژه گند یا نفرت انگیز استعمال می‌شد.

در عبارتی که در ادامه ذکر می‌شود نوعی از اطناب به کار رفته که در واقع ناشی از ترادف واژگانی نیست بلکه ناشی از نوعی هم‌مفهومی بین دو جمله است. «أطلقُ رغباتی من دون استعمالِ عقلی» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۹) همیشه افسار تمایلاتم را به دست خودشان می‌سپارم و ابدأ اجازه نمی‌دهم عقلم در این مورد دخالتی بکند. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۱۰) در این عبارت، کلمه ابدأ اصلاً ذکر نشده و آوردن آن در ترجمه باعث اطناب می‌شود و فایده‌ای هم ندارد.

در عبارتی که در ادامه آورده می‌شود نوعی از اطناب دیده می‌شود که هم شامل اطناب ترادفی است و هم می‌توان آن را در حیطه توضیح جای داد. «هدف از توضیح، آشکار کردن چیزی است که در متن اصلی نیامده است.» (ماندی، ۱۳۹۱: ۲۸۵) «تضحکین معی عابثه بلا غضب أو حتی زعل خفیف ثم تخرجین» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۱۳) لبخندی از سر تمسخر و بی‌مبالاتی به لب می‌آوری و بی آنکه ذره‌ای عصبانی شوی یا رنگ غیرت گل کند عاقل

اندر سفیه نگاهم می کنی و از در بیرون می روی. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۱۶) ذکر یکی از دو واژه تمسخر و بی مبالاتی در این جمله کافی است و آوردن هر دو واژه باعث ایجاد اطناب شده است، بدون اینکه چیزی بر بار معنایی کلام بیافزاید. در فرهنگ لغت (زعل) به معنی ناراحتی ذکر شده است. و نکته دیگر اینکه در متن عربی جمله‌ای با مضمون رگ غیرت گل کردن یا عاقل اندر سفیه نگاه کردن نیامده است و آوردن این عبارات در ترجمه باعث اطالۀ کلام شده است. ضمن اینکه ضحک به معنی خندیدن است نه لبخند زدن و عابثه هم یعنی بیهوده و بی انگیزه؛ بنابراین این جمله باید بدین صورت ترجمه می شد: بیهوده و بی انگیزه با من می خندی و بی آنکه ذره‌ای عصبانی یا ناراحت شوی از در بیرون می روی.

نمونه های دیگری از اطناب ناشی از ترادف واژگانی را می توان در ترجمۀ مهاجرانی مشاهده کرد. از جمله: «و تُریدین أن أسقطَ فی الامتحان» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۲۰) و می - خواستی که در امتحان مردود و سرشکسته شوم. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۲۶) در ترجمه فعل أسقطَ به کار بردن یکی از دو لفظ مردود و یا سرشکسته کفایت می کند و آوردن دو واژه در مقابل یک واژه متن اصلی باعث اطالۀ کلام شده است. نکته دیگری که در این مثال قابل تأمل است اینکه فعل مضارع تریدین چرا به صورت ماضی معنا شده است؟ در جواب باید گفت: از آنجا که فعل اصلی و قبلی این جمله به صورت ماضی است یعنی سیاق جمله ماضی است؛ پس فعل تریدین هم به قرینه آن ماضی معنا شده است.

«یرتدُ غضبی علیّ مضاعفاً» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۲۲) عصبانیت و خشم هم مزید بر آن شده است. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۲۸) در لغت نامه دهخدا، برای غضب معانی متفاوتی آورده شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه غضب) در ترجمۀ این جمله ذکر یک واژه کفایت می کند و آوردن دو واژه خشم و عصبانیت در مقابل یک واژه غضب باعث اطالۀ کلام شده است. براساس نظریۀ برمن آوردن واژگانی که هیچ ارزش معنایی به متن نمی افزایند و جز اطالۀ کلام نتیجه‌ای ندارند نوعی ساختارشکنی محسوب می شود. نکته دیگر اینکه این عبارت

به نوعی یک اصطلاح است؛ بنابراین بهتر بود این جمله بدین گونه ترجمه می‌شد: خشمم نیز مزید بر علت شده است. اگر مترجم از یک واژه هم استفاده می‌کرد خللی به متن وارد نمی‌شد. «چرا که به علت ویژگی‌های فرهنگی و نیازهای ارتباطی هر قوم، نباید انتظار داشت تمام واژگانی که در زبان مقصد وجود دارد در زبان مبدأ معادل‌های دقیقاً یکسانی داشته باشد.» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۸۳: ۸۵)

در عبارت «أنت من أنقصها» (هدی برکات، ۲۰۱۱: ۲۰) که بدین صورت ترجمه شده است: تو بودی که آن را ناقص و ابتر گذاشتی (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۲۶) مترجم در عوض واژه آنقص، دو واژه ناقص و ابتر را آورده است که جز اطالۀ کلام نتیجه دیگری ندارد. چه بسا بهتر بود به جای هر دو کلمه، کلمۀ ناتمام را ذکر می‌کرد؛ چرا که (ناقص) عربی است و از آنجا که مخاطب این متن عامۀ مردم می‌توانند باشند ممکن است معنای (ابتر) هم برای برخی ناآشنا باشد پس بهتر بود واژه‌ای ذکر شود که هم برای همه مخاطبان آشنا باشد و هم واژه‌ای فارسی باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه ابتر)

نمونه دیگری از اطناب را در این عبارت می‌بینیم: «کان یشبه الطفل العملاق» (هدی برکات، ۲۰۱۱: ۲۶) درست مثل کودکی درشت اندام و قوی هیکل بود (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۳۴) در فرهنگ لغات معانی مختلفی برای واژه العملاق ذکر شده از جمله: درشت هیکل، عظیم الجثه، درشت اندام، غول‌پیکر و ... که همگی در بردارندۀ مفهومی واحد هستند و بر معنای العملاق دلالت دارند و آوردن یکی از این معانی در ترجمه کفایت می‌کند و نباید کلام را بی‌جهت طولانی کرد.

موارد فراوان دیگری از این گونه تطویل در ترجمۀ بریداللیل دیده می‌شود که برخی باعث ساختار شکنی شده است؛ اما برخی دیگر سبب زیبایی و شیوایی متن ترجمه شده می‌شود و مترجم برای اینکه مخاطب، بهتر مفهوم را استنباط کند از این روش بهره می‌گیرد.

## آراسته‌سازی

«برمن این گرایش را، گرایش افلاطونی می‌خواند و آن را نتیجه کار مترجمانی می‌داند که متن مقصد را از لحاظ فرم و شکل، زیباتر از متن اصلی می‌آورند.» (صمیمی، ۱۳۹۱: ۴۸) او معتقد است این گرایش مربوط به حسّ زیبایی‌شناختی افرادی می‌شود که معتقدند هر گفتمانی باید گفتمانی زیبا باشد. برمن آراسته‌سازی را در نظم، شاعرانه کردن و در حوزه نثر، بلیغ کردن می‌خواند. «درواقع، برمن این کار مترجمان را بر هم زدن سبک و فرم متن اصلی می‌داند که بدون در نظر داشتن چند و چون متن اصلی، صرفاً برای خوانا، برجسته و فاخر کردن متن مقصد به متن اصلی توجهی نمی‌کنند و دست به بازنویسی از متن اصلی می‌زنند.» (افضلی، ۱۳۹۵: ۷۴) مهاجرانی در مواردی از این مقوله بهره گرفته و از واژگانی زیبا و فاخر در ترجمه بریداللیل استفاده کرده است که به مواردی از آن اشاره می‌شود.

در این عبارت می‌توان نمونه برجسته‌ای از آراسته‌سازی را دید: «مذ تحرك ذلك القطار وهبطت على ظلمه تشبه مغيب الشتاء، لم اخف ولم ابك» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۱۰) وقتی قطار راه افتاد و آسمان شولای سیاه شب بر تن کرد، دیگر نه می‌ترسیدم و نه گریه می‌کردم. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۱۰) در ترجمه عبارت مزبور آراسته‌سازی صورت گرفته است و مترجم به جای عبارت (تاریکی شبیه به غروب آفتاب زمستان فرود آمد) از عبارت زیبایی استفاده کرده که در آن از تشبیه که جزء صنایع بدیعی کلام است استفاده کرده است یعنی آسمان به سان انسانی است که شولای سیاه بر تن کرده است. «در گرایش آراسته‌سازی، مترجم بر آن است که متنی هر چه زیباتر به مخاطب ارائه دهد و این امر باعث غرابت زدایی از متن مبدأ می‌شود» (بیکر، ۲۰۰۰: ۲۹۰) آنچه برمن در نظر دارد، حفظ بیگانگی موجود در زبان است تا رابطه و شناخت بیشتری بین مخاطب متن مبدأ و مقصد ایجاد شود.

در نمونه‌ای دیگر مهاجرانی در ترجمه غروب خورشید از عبارت (افتادن سر سرخ فام خورشید در تشت خونین افق) استفاده کرده است. «هو نفسه المغيب الذی تختفی فیه الشمس

عند الأفق» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۱۰) درست مثل همان لحظه‌ای که سر سرخ‌فام خورشید در تشت خونین افق می‌افتد و رو به غروب می‌نهد. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۱۱) معنای نزدیک به این عبارت بدین صورت است: درست مثل لحظه غروب آفتاب که در آن خورشید در افق پنهان می‌شود. با وجود این که این ترجمه، زیبایی ترجمه مهاجرانی را ندارد ولی به هر حال به متن مبدأ نزدیک‌تر است و این درست همان چیزی است که برمن معتقد است مترجم باید به آن پایبند باشد. البته لازم به ذکر است که این سبک ترجمه، جزء ویژگی‌های سبکی مهاجرانی است و باعث زیبایی ترجمه می‌شود. نکته دیگر این که ترجمه رمان با ترجمه متون دیگر متفاوت است. در ترجمه رمان مترجم از آزادی عمل بیشتری برخوردار است و این سبک ترجمه ایراد محسوب نمی‌شود؛ اما از آنجایی که این پژوهش، ترجمه را براساس نظریات برمن بررسی می‌کند و ایشان طرفدار پایبندی به متن مبدأ است؛ لذا به بررسی این موارد پرداخته شده است.

### غنازدایی کیفی

«در الگوی برمن، این نوع تحریف، جایگزین کردن کلمات، اصطلاحات و پیچ و خم جملات با کلمات و اصطلاحاتی است که از لحاظ غنای معنایی، آوایی و طنین کلمات در سطح واژه مبدأ نیستند. تحریفی که برمن از آن سخن می‌گوید، شاید یکی از سخت‌ترین مسائل موجود در عمل ترجمه و یکی از دشوارترین کارهای مترجم باشد. هر زبانی با توجه به ساختار و کلمات و آواهای موجود در آن، کلمات و بازی‌های کلامی ویژه‌ای با بار معنایی و تصویرسازی خاص خود را دارد و برگرداندن آن‌ها غالباً دشوار است. شاید گاهی بتوان با شباهت‌های آوایی آن‌ها مانور داد، اما همواره چنین شانس وجود ندارد.» (بیکر، ۲۰۰۰: ۲۹۱) استناد به صاحب نظران دیگر غیر از آنتوان برمن، صرفاً جهت بالابردن مستندات علمی و دقیق در پژوهش است.

از جمله مواردی که می‌توان از آن در ترجمه مهاجرانی با عنوان غنازدایی کیفی یاد کرد، این عبارت است: «حاجه الی ملء فراغات غامضه کالتی للبولیما او کالادمان» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۱۱) نیاز دارم به اینکه آن فضاهای خالی و پیچیده را که به بولیمیا یا کودپاشی زمین می‌ماند پر کنم. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۱۳) در لغت‌نامه‌های مختلف، (ادمان) به معنی پیوسته و همیشه کاری کردن، دائم الخمر بودن و اعتیاد معنا شده و در هیچ کدام از لغت‌نامه‌ها از ادمان به عنوان کودپاشی زمین یاد نشده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه ادمان) بنابراین آوردن آن بدین معنا در ترجمه مهاجرانی نوعی غنازدایی کیفی متن است که از موارد تحریفی بر من به شمار می‌رود.

نمونه‌ای دیگر از غنازدایی کیفی در این عبارت قابل مشاهده است: «أعنی کیف و بای سرعه نسیت المرأة التي وضعتني فيه» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۱۷) منظورم این است چگونه و با چه سرعتی توانستم زنی را فراموش کنم که مرا گرفتار خودش کرد. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۲۲) با دقت در متن عربی کتاب برید اللیل متوجه می‌شویم که منظور نویسنده از فراموش کردن یک زن، همان مادرش است و نه کس دیگر و نکته دیگر این که در عبارت (وضعتني فيه) ضمیر (ه) به قطار بر می‌گردد؛ ولی مترجم به جای (وضعتني فيه) از عبارت (مرا گرفتار خودش کرد) استفاده کرده است که کاملاً نا به جاست و این نوعی تحریف در کیفیت متن است. مترجم با آوردن این ترجمه، مفهومی را که مد نظر نویسنده بوده، دگرگون کرده است. «بر اساس نظریه بر من مترجم همواره باید به متن مبدأ گرایش داشته باشد. از این رو هر گونه تغییر، حذف، اضافه و... که در خدمت متن اصلی نباشد، خیانت به آن محسوب می‌شود و مایه گمراهی خواننده می‌گردد.» (برمان، ۲۰۱۰: ۷۵) بنابراین بهتر است این عبارت بدین صورت ترجمه می‌شد: با چه سرعتی توانستم زنی را فراموش کنم که مرا در آن قطار افکند. در ترجمه این عبارت، مترجم با اشتباه متوجه شدن آن و تعبیر غیر صحیح از آن، باعث شده کیفیت ترجمه پایین بیاید.

به ذکر نمونه‌ای دیگر از غنازدایی کیفی می‌پردازیم: «رحمت أتساءلُ لماذا إتصلوا بی» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۱۸) از خودم پرسیدم چرا این خبر را به من داده است. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۲۲) إتصلُ در فرهنگ لغت به معنی (تماس گرفت) معنا شده حال آن که مترجم آن را به صورت (خبر داد) معنا کرده است. (آذرنوش، ۱۳۹۲: ذیل واژه إتصلُ) هم‌چنین این فعل در عبارت ذکر شده صیغۀ جمع است که در ترجمه مفرد معنا شده است. در واقع ترجمۀ دقیق این جمله بدین صورت است: از خود پرسیدم چرا با من تماس گرفتند. با دقت در متن اصلی رمان متوجه می‌شویم فعل إتصلوا باید جمع معنا می‌شد همانطور که جمله بعدی این عبارت، گواهی دقیق بر این مدعاست: «و هم لم يتصلوا مرة من قبل» در واقع نویسنده می‌خواسته این مفهوم را انتقال دهد که چرا برادرانش با او تماس گرفتند در حالیکه قبلاً هرگز با او تماس نگرفته‌اند. عبارت دوّم که ذکر شد شاهدهی دقیق است مبنی بر اینکه (إتصلوا) نباید به صورت خبر کردند معنا می‌شد چون این فعل در جمله دوّم به معنی تماس گرفتند معنا شده است و اگر بر سیاق جمله اوّل معنا می‌شد باید مترجم می‌گفت: چرا این خبر را به من دادند در حالیکه قبلاً هرگز این خبر را به من ندادند. که کاملاً نادرست است؛ چون خبر برادرانش، خبر فوت مادرشان بوده و مادرشان اکنون فوت شده و از قبل چگونه می‌توانستند این خبر را به او بدهند. بنابراین «إتصل، يتصل» در هر دو جمله به معنی تماس گرفتن می‌باشد و ترجمۀ آن در جمله اوّل به صورت خبر کردن، تحریف متن به حساب می‌آید.

در این جمله نیز نمونه‌ای از غنازدایی کیفی متن به چشم می‌خورد: «فی دماغی المُمیّز عن أدمغة إخوتی، مناطق لو صوّرناها لوجدناها مطفأة لا تصلُ إليها الکهرباء» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۱۸) در مغز من هم برخلاف مغز دیگر برادرانم، مناطقی وجود دارد که اگر کالبد شکافی‌اش کنیم، متوجه می‌شویم خالی و سرد است و هیچ کهربایی قادر به جذب آن نیست. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۲۳) در این عبارت (صوّر) به معنای کالبد شکافی معنا شده. براساس



فرهنگ لغات و اصطلاحات معروف، لفظ (تشریح الجثّه) را برای کالبد شکافی به کار می‌برند. (معروف، ۱۳۸۶: ۳۱۰) لازم به ذکر است با این که معنای دقیق صورّ در ترجمه نیامده؛ ولی باید گفت بهره‌گیری از عبارت کالبد شکافی برای آن براساس قاموس اصطلاحات، قابل استفاده است و معنایی نزدیک به ذهن را برای مخاطب ایجاد می‌کند. به عقیده برمن جایگزین کردن عبارات و کلمات با اصطلاحات و کلماتی که از لحاظ غنای معنایی، در خور متن مبدأ نیست، تحریف به شمار می‌آید و باعث ارائه تصویری غیر دقیق از متن اصلی می‌شود. (برمن، ۲۰۰۴)

نمونه دیگری از غنازدایی کیفی در ترجمه مهاجرانی این عبارت است: «لم ينزل على ذلك النعاس الذي كنت لا اقدر على رفعه من رأسي و أعضائي مع أنني في هذه الغرفة لا أجد ما أتسلى به» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۳۱) گرچه در این اتاق چیزی که باعث آرامش من شود وجود ندارد ولی این چرتی که مغز و اعضای بدنم را یکسر در خودش فرو برده، طوری است که نمی‌توانم آن را از سرم بپرانم. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۴۱) عبارت عربی به درستی معنا نشده است و باید این گونه ترجمه می‌شد: آن چرتی که مغز و اعضای بدنم را در خود فرو می‌برد و من نمی‌توانم از سرم بیرون کنم به سراغم نیامده است؛ ولی با این وجود در این اتاق چیزی نیست که بتوانم سر خودم را با آن گرم کنم. در این عبارت لم ينزل... یعنی چرت، مرا در نگرفته ولی مهاجرانی به صورت مثبت آن را ترجمه کرده که باعث تحریف متن شده است.

### غنازدایی کمی

«در این نوع تحریف، سخن از هدر رفتن واژگانی است. برمن معتقد است که گاهی برای یک مدلول، چندین دال وجود دارد و انتخاب یک دال به غنازدایی کمی منجر می‌شود.» (بیکر، ۲۰۰۰: ۲۹۲-۲۹۱) مانند: «أرى أمامي في المقهى رجلاً جالساً على كرسي خشبي فأسترسل في تاريخ صناعة الخشب والفرق بين أنواع الأخشاب واستعمالاتها» (هدی برکات،

۲۰۱۸: ۱۱) الآن توی کافی شاپ نشسته‌ام و روبرویم مردی نشسته روی صندلی چوبی می‌بینم و همین چوبی بودن صندلی ذهن مرا به عالم چوب و تاریخ صنایع چوب بری برده است. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۱۲) در این جمله، عبارتی که مشخص شده ترجمه نشده است و این کاهش واژگانی در ترجمه منجر به غنازدایی کمی شده است که براساس نظریه برمن تحریف در متن اصلی است.

در این جمله هم نمونه‌ای از این نوع ریخت‌شکنی دیده می‌شود: «فأُمِّي لَا تَحْسِنُ الْقِرَاءَةَ وَقَدْ تَحْمِلُهَا إِلَىٰ أَحَدِ الْمُتَعَلِّمِينَ فِي الْقَرْيَةِ لِيَقْرَأَ لَهَا» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۹) مادرم سواد خواندن نداشت. هر وقت نامه‌ای به دستش می‌رسید آن را پیش یکی از اهالی ده که خواندن می‌دانست می‌برد. (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۹) مترجم، عبارت (لِيَقْرَأَ لَهَا) را معنا نکرده که باعث بروز غنازدایی کمی در متن شده است.

به نمونه‌ای دیگر از این نوع ساختار شکنی در این عبارات می‌پردازیم: «تَصَلَّىٰ لِلنَّعْجَةِ الَّتِي تَعَسَّرَ وِلَادَتُهَا، تَبَقَىٰ قَرِيبًا تَمَسَّدُ عَلَيَّ رِقَبَتَهَا، تَغْنِي لَهَا، ثُمَّ تَزْغُرُ حِينَ تَرَى الْحَمْلَ يَتَحَرَّكُ فِي مَشِيمَتِهَا...» (هدی برکات، ۲۰۱۸: ۱۸) برای این که میش زایمان راحتی داشته باشد مدام برایش دعا می‌کرد و نذر و نیاز به جا می‌آورد و تا وقت زایمان کنارش نشست، گردنش را نوازش کرد و توی گوشش آواز خواند.... (مهاجرانی، ۱۳۹۸: ۲۳) در این جمله مترجم عبارت مشخص شده را ترجمه نکرده است؛ یعنی در ادامه ترجمه باید می‌گفت: سپس وقتی می‌دید بچه میش در بچه‌دان حرکت می‌کند از خوشحالی فریاد بر می‌آورد. ترجمه نکردن این عبارت نشانه کاهش و ضعف واژگانی است که براساس نظریه برمن، در ترجمه متن تحریف یا غنازدایی کمی صورت رفته است.

نتیجه گیری

براساس بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، کاملاً پیداست که ترجمه مهاجرانی از رمان برید اللیل بیش از آن که پایبند به متن مبدأ باشد، معطوف به متن مقصد و خواننده است؛ چرا که با مطالعه دقیق متن اصلی و مقایسه آن با ترجمه، گرایش مقصد‌گرای مترجم آشکار می‌شود. به طور کلی، ترجمه مهاجرانی از رمان برید اللیل، بسیار روان و قابل فهم است که نشان دهنده تسلط و آگاهی مترجم بر هر دو زبان مبدأ و مقصد است. در این ترجمه که از منظر گرایش‌های ریخت‌شکنانه برمن مورد مطالعه و واکاوی قرار گرفته است، متوجه به کار رفتن موارد زیادی از تحریفات که برمن آن را در ترجمه ناپسند می‌شمارد می‌شویم. شش مورد از گرایش‌های برمن در این ترجمه نمود بیشتری دارد؛ علاوه بر این شش مورد که در ادامه ذکر می‌شود موارد دیگری از تحریفات سیزده‌گانه برمن نیز در ترجمه مهاجرانی به چشم می‌خورد؛ اما به علت اندک بودن از ذکر آنها خودداری شده است. در این مقاله، سعی شده تا بخش‌هایی از ترجمه برید اللیل که تحت تأثیر گرایش‌های ریخت‌شکنانه بوده است مورد نقد قرار گیرد و با استناد به نظریات بزرگان عرصه ترجمه نقد وارد شده مستدل و مستند گردد و در نهایت ترجمه پیشنهادی ارائه شود. در پاسخ به دو سؤال اصلی این پژوهش اولاً: در مورد کاربرد گرایش‌های ریخت‌شکنانه باید گفت: منطقی‌سازی، واضح‌سازی، آراسته‌سازی، اطباب، غنازدایی کیفی و غنازدایی کمی شش موردی هستند که بیشترین بسامد را در ترجمه مهاجرانی داشته‌اند. ثانیاً: در خصوص پایبندی مترجم به متن اصلی باید گفت: با وجود اینکه ترجمه مهاجرانی از رمان برید اللیل ترجمه‌ای روان و قابل فهم است؛ ولی کاربرد گرایش‌هایی که آن را از متن مبدأ دور می‌کند، فراوان به چشم می‌خورد به گونه‌ای که در هر صفحه از ترجمه بدون شک موردی از گرایش‌های برمن پیداست که باعث فاصله گرفتن متن ترجمه از متن اصلی می‌شود. ناگفته نماند ترجمه رمان با ترجمه متون علمی، دینی، حقوقی و... تفاوت دارد. در ترجمه متون ذکر شده مترجم نباید ذره‌ای از متن اصلی فاصله بگیرد؛ اما در ترجمه رمان مترجم از آزادی عمل برخوردار بوده و می‌تواند برای هر چه زیباتر کردن متن رمان و جذب بیشتر مخاطب تغییراتی را نیز ایجاد کند؛ البته این آزادی عمل در

ترجمهٔ رمان نباید تا حدی باشد که معنا و مفهوم متن ترجمه شده با متن اصلی فاصله‌ای فاحش داشته باشد.

## **Analysis of Hamidreza Mohajerani's translation of the novel "Bridalil" based on the theory of "Antoine Berman"**

### ***Abstract***

Translation of literary texts is one of the most difficult types of translation, which faces challenges that make it as complex and difficult as possible. Today, theorists have greatly helped translators by providing a variety of superior translation techniques and methods, and to some extent have paved the way for their advancement. One of the leading theorists in this field is the Frenchman Antoine Berman, who in his theory entitled Morphological Tendencies, enumerates thirteen factors of deviation in translation. The present study, based on Berman translation techniques, analyzes the novel "Bridalil" by Hoda Barakat and translated by Seyyed Hamidreza Mohajerani entitled "Night Post". This translation addresses several trends in Berman's theory that have had the most repetition in immigrant translation, including: rationalization, clarification, addition or extension, embellishment, qualitative enrichment, and quantitative enrichment; Of course, it should be mentioned that some examples of other morphological tendencies can be seen in this translation, which have been omitted due to their small size. In this article, with a careful study, the cases of deviation in the translation of Bridalil based on the mentioned tendencies have been raised and in some cases, the proposed translation has also been presented. In general, it can be said that the most common cause of deviation in immigrant translation is related to the translator's explanation and interpretation, which the reader intends to understand clearly; Therefore, it is obvious that this translation is more inclined to the target text.

**Keywords:** Translation Analysis, Bridalil, Hamidreza Mohajerani, Antoine Berman

## منابع و مأخذ

- ابوعلی، رجاء و بهزاد اسبقی گیگلو. (۱۳۹۹). «نقد و بررسی ترجمه فاطمه جعفری از رمان اعترافات ربیع جابر براساس نظریه آنتوان برمن»، دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، س ۸، ش ۲۲، صص ۹-۳۳.
- احمدی، محمد رحیم. (۱۳۹۲). «آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه»، دو فصلنامه نقد زبان و ادبیات خارجی، س ۶، ش ۱۰. پیاپی ۶۸، صص ۱-۱۹.
- افضل‌لی، علی و عطیه یوسفی. (۱۳۹۵). «نقد و بررسی ترجمه عربی گلستان سعدی براساس نظریه آنتوان برمن». دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. س ۶، ش ۱۴. صص ۶۱-۸۴.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۲). فرهنگ معاصر عربی فارسی آذرتاش آذرنوش. چ ۱۵. تهران: نشر نی
- برکات، هدی. (۲۰۱۸). بریداللیل. لبنان: دارالآداب بیروت
- برمان، انطوان. (۲۰۱۰). الترجمة و الحرف او مقام البعد. ترجمه و تحقیق عزالدین الخطابی. ط ۱. بیروت: المنظمه العربیة للترجمة.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
- رئیس‌یان، غلامرضا و ملیکا کردلویی. (۱۳۹۳). «ترادف در واژگان قرآن و مشکلات ترجمه آن». دو فصلنامه علمی پژوهشی صحیفه مبین. س ۲۰، ش ۵۵. صص ۸۵-۱۰۶.
- صمیمی، محمدرضا. (۱۳۹۱). «بررسی ترجمه داستان تپه‌هایی چون فیل‌های سفید براساس سیستم تحریف متن برمن». کتاب ماه ادبیات. ش ۶۵. صص ۴۴-۴۹.
- فرهادی، محمد و سید محمود میرزایی حسینی و علی نظری. (۱۳۹۶). «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجّادیه براساس نظریه آنتوان برمن: مطالعه موردی

- ترجمه انصاریان». دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب. س ۷. ش ۱۷. صص ۳۱-۵۳.
- کریمیان، فرزانه و منصوره اصلانی. (۱۳۹۰). «نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجمه». فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه. ش ۱. صص ۱۲۰-۱۳۸.
  - گنجیان خناری، علی. (۱۳۹۷). «واکاوی چالش‌های ترجمه ادبی: بررسی تحلیلی نوع متن، اجزای متن و چالش خواننده». دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب. س ۸. ش ۱۸. صص ۹۵-۱۱۴.
  - لطفی پور ساعدی، کاظم و ژیلایا بهمن. (۱۳۸۳). «ارتباط نقش بین زبانی و گزینش‌های زبانی در متون انگلیسی». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. س ۲۱. ش ۱ (پیاپی ۴۰). صص ۱-۱۴.
  - ماندی، جرمی. (۱۳۸۹). درآمدی بر مطالعات ترجمه، نظریه‌ها و کاربردها. ترجمه الهه ستوده نما و فریده حق‌بین. تهران: نشر علم.
  - معایش، اسامه. (۲۰۰۸-۲۰۰۹). اشکالیة ترجمة الايحاءات الى اللغة العربية رواية الحلزون العنيد (لرشيد بوجدره أنموذجا). جامعه منتوري قسطنطينية. مذكرة بحث لنيل شهادة الماجستير في الترجمة. الجمهورية الجزائرية الديمقراطية الشعبية.
  - معروف، يحيى. (۱۳۸۶). فرهنگ لغات و اصطلاحات فارسی به عربی. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات یادواره کتاب.
  - معروف، يحيى. (۱۳۹۵). فن ترجمه. تهران: انتشارات سمت.
  - مهاجرانی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). پست شبانه. تهران: نشر ثالث.
  - مهدی‌پور، فاطمه. (۱۳۸۹). «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن». کتاب ماه ادبیات. ش ۴۱ (پیاپی ۱۵۵). صص ۵۷-۶۳.
  - نیومارک، پیتر. (۱۳۷۰). «تاریخ اجمالی ترجمه در غرب». ترجمه نرگس سروش. مجله علمی فرهنگی مترجم. ش ۳. صص ۶۹-۷۰.
  - هتیم، بزیل و جرمی ماندی. (۱۳۸۸). مرجعی پیشرفته برای ترجمه. چ ۱. ترجمه مریم جابری. تهران: سمت.

Baker, Mona. (2000). *The Translation studies reader*, Translated by: Venuti, Lawrence, first published, London and New York, Routledge.

Berman, A. (2004). *Translation and the Trials of the Foreign*. (L. Venuti, Trans). London and New York: Taylor & Francis Group.

In Press